

القول: في شهر رمضان

روزة ماه رمضان

والكلام في: علامته، وشروطه، وأحكامه.

شامل علامتها، شروط و احكام أن است.

أما الأول:

اول: علامات

فيعلم الشهر برؤية الهلال، فمن رآه وجب عليه الصيام ولو انفرد برويته، وكذا لو شهد فردت شهادته، وكذا يفطر لو انفرد بهلال شوال. ومن لم يره لا يجب عليه الصيام إلا أن يمضي من شعبان ثلاثون يوماً، أو روي رؤية شائعة، فإن لم يتفق ذلك وشهد شاهدان تقبل شهادتهما سواء كانا من البلد أو خارجه. وإذا روي في البلاد المتقاربة كالكوكة وبغداد وجب الصيام على ساكنيهما أجمع، وكذا المتباعدة كالعراق وخراسان. وإذا ثبت رؤية الهلال في بلد ثبتت في كل البلاد التي لا تختلف عنه في الوقت أكثر من ربع الليل والنهار أي ست ساعات. ويثبت بشهادة النساء، ولا يثبت بشهادة الواحد. ولا اعتبار بالجدول، ولا بالعد، ولا بغيوبة الهلال بعد الشفق، ولا برويته يوم الثلاثين قبل الزوال، ولا بتطوقه ولا بعد خمسة أيام من أول الهلال في الماضية.

شروع ماه رمضان توسط دیدن هلال ماه مشخص می شود، یعنی هرکس هلال ماه را دید روزه بر او واجب است، حتی اگر خودش به تنهایی ماه را دیده باشد. اگر هلال را دید و [برای دیگران] شهادت داد ولی شهادتش را نپذیرفتند [خودش باید روزه بگیرد]؛ و همین طور اگر حتی به تنهایی هلال ماه شوال را دید نباید روزه بگیرد.

کسی که هلال ماه را ندیده باشد روزه گرفتن بر او واجب نیست، مگر اینکه سی روز از ماه شعبان گذشته باشد، یا اینکه (هلال) به صورت شایع دیده شود،⁽¹⁾ ولی اگر چنین چیزی اتفاق نیفتاد و فقط دو نفر شاهد آن را دیدند و شهادت دادند، شهادت آن‌ها پذیرفته می شود، فرقی نمی کند که اهل شهر باشند یا نباشند.

اگر هلال ماه در یکی از شهرهای نزدیک به هم مانند بغداد و کوفه⁽²⁾ دیده شود روزه گرفتن بر ساکنین هر دو شهر واجب است، و [مناطق] دوردست مثل عراق و خراسان [ایران] نیز به همین شکل می باشد. اگر هلال در یک

1- پخش خبر دیدن ماه در میان مردم به این گونه است که چندین نفر (چه مؤمن و چه غیر مؤمن) خودشان ببینند و شهادت دهند، به گونه ای که اطمینان حاصل شود که تباہی بر کذب نکرده اند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص 37)

2- یا در ایران مثل قم و تهران. (مترجم)

منطقه دیده شود در تمام مناطق دیگر که از لحاظ ساعت با هم بیشتر از یک چهارم شبانه روز یعنی شش ساعت فاصله ندارند ثابت می شود.

اول ماه با شهادت زنان نیز ثابت می شود،⁽³⁾ ولی با شهادت یک نفر ثابت نمی شود. برای ثابت شدن شروع ماه نمیتوان به این موارد اعتماد کرد: تقویم، شمردن،⁽⁴⁾ پنهان شدن هلال بعد از شفق، رؤیت هلال در روز سی ام قبل از زوال [اذان ظهر]، بلند بودن هلال یا گذشت پنج روز از اول هلال گذشته.⁽⁵⁾

ويستحب صيام الثلاثين من شعبان بنية النذب، فإن انكشف من الشهر أجزاء. ولو صامه بنية رمضان لأمانة يجزيه، وإن أفطر فأهل شوال ليلة التاسع والعشرين من هلال رمضان قضاة. وكذا لو قامت بينة برؤية ليلة الثلاثين من شعبان. وكل شهر يشتهر رؤيته يعد ما قبله ثلاثين. ولو غمت شهور السنة عد شهر رمضان ثلاثين، وكذا ذي القعدة وذي الحجة ورجب وباقي الشهور بين ثلاثين وتسع وعشرين.

ومن كان بحيث لا يعلم الشهر كالأسير والمحبوس صام شهراً تغليياً، فإن استمر الاشتباه فهو برئ، وإن اتفق في شهر رمضان أو بعده أجزاء، وإن كان قبله قضاة.

مستحب است که روز سی ام از ماه شعبان را به نیت استحباب روزه بگیرد، اگر بعداً فهمید که آن روز جزو ماه رمضان بوده است، روزه ماه رمضان محسوب می شود؛ ولی اگر آن روز را به عنوان ماه رمضان روزه گرفت، صحیح است؛ اما اگر آن روز را افطار کرد و بعداً ماه رمضان بیست و هشت روز شد، باید روزه آن روز را قضا کند. همچنین است اگر دو شاهد بر فرارسیدن شب سی ام ماه شعبان شهادت دهند.

هر ماهی که مشتبه شود، ماه قبلش را سی روزی حساب کند.⁽⁶⁾ اگر ماه های سال بر او مشتبه شد (و حساب ماه و سال از دستش در رفت) ماه رمضان، ذی قعدة، ذی حجه و رجب را برای خود سی روز حساب کند و سایر ماهها را بین سی روز و بیست و نه روز حساب کند.

کسی که اصلاً از ماه اطلاع ندارد (مانند اسیر و زندانی) یک ماه را که گمان دارد ماه رمضان است روزه بگیرد، و اگر به همین ترتیب برایش غیر واضح ماند، چیزی به گردن او نیست، اگر (این ماه که روزه گرفته) همزمان با ماه رمضان و یا بعد از رمضان بود، کفایت می کند، ولی اگر قبل از ماه رمضان بود، باید قضای آن را به جا آورد.

3- البته به این صورت که یک مرد و دو زن شهادت دهند، نه این که دو زن به تنهایی و یا چهار زن شهادت دهند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص 36)

4- به این صورت که همیشه ماه شعبان را ناقص و ماه رمضان را کامل بدانیم. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص 37)

5- در زمان حضور امام عادل و حکم کردن ایشان به اول ماه قمری، اول ماه در تمام کشورهای دنیا ثابت می گردد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص 38)

6- البته اگر ماه رؤیت شود ممکن است دو ماه بیست و نه روزی پشت سر هم بیاید. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص 39)

ووقت الإمساك طلوع الفجر الثاني، ووقت الإفطار غروب الشمس، وحده سقوط القرص، والأفضل الانتظار إلى زهاب الحمرة من المشرق للاطمئنان والتأكد من سقوط القرص. ويستحب تأخير الإفطار حتى يصلي المغرب، وخير الدعاء دعاء الصائم في صلاة المغرب قبل أن يفطر، إلا إن تنازعه نفسه، أو يكون من يتوقعه للإفطار.

وقت روزه از زمان فجر دوم (اذان صبح) شروع می‌شود و وقت افطار غروب آفتاب است، و تعریف غروب آفتاب، پایین رفتن قرص خورشید است، ولی اگر صبر کند تا حمرة مشرقیه برود و مطمئن شود که خورشید کاملاً غروب کرده، بهتر است. مستحب است که افطار کردن را تا بعد از نماز مغرب به تأخیر بیندازد. بهترین دعاها، دعای روزه‌دار در نماز مغرب است قبل از اینکه افطار کند، مگر زمانی که دیگر تاب نداشته باشد و یا اینکه کسی برای افطار منتظرش باشد.

الثاني: في الشروط

دوم: شروط روزه

وهي قسمان:

شروط روزه شامل دو بخش است:

الأول: ما باعتباره يجب الصيام، وهو سبعة: البلوغ، وكمال العقل: فلا يجب على الصبي، ولا على المجنون إلا أن يكمل قبل طلوع الفجر. ولو كمالاً بعد طلوعه لم يجب، وكذا المغمى عليه.

بخش اول: چیزهایی که باوجود آن، روزه بر انسان واجب می‌شود، که هفت مورد است:

۱ و ۲- بلوغ و کمال عقل: روزه بر کودک و دیوانه واجب نیست، مگر اینکه قبل از طلوع فجر این دو فرد کامل شوند؛ ولی اگر بعد از طلوع فجر کامل شدند روزه [آن روز] بر آنها واجب نیست. این حکم برای کسی که از هوش رفته است نیز برقرار می‌باشد.

والصحة من المرض: فإن برئ قبل الزوال ولم يتناول وجب الصيام، وإن كان تناول أو كان برؤه بعد الزوال أمسك استحباباً، ولزمه القضاء.

۳- سلامتی از مرض: اگر قبل از زوال [اذان ظهر] مریضی اش خوب شد و تا آن موقع چیزی نخورده بود روزه بر او واجب است، ولی اگر چیزی خورده بود یا اینکه بعد از زوال خوب شد مستحب است تا غروب امساك کند [یعنی مبطلات روزه را انجام ندهد] ولی قضای [آن روز] بر او واجب است.

والإقامة أو حكمها: فلا يجب على المسافر ولا يصح منه، بل يلزمه القضاء، ولو صام لم يجزه مع العلم، ويجزيه مع الجهل. ولو حضر بلده أو بلدًا يعزم فيه الإقامة عشرة أيام كان حكمه حكم برئ المريض في الوجوب وعدمه. وفي حكم الإقامة كثرة السفر كالمكاري والملاح وشبههما.

۴ و ۵- اقامت داشتن یا آنچه در حکم اقامت است: روزه بر مسافر واجب نیست و از او قبول هم نمی‌شود، بلکه باید روزه را قضا کند، اگر با علم [به مسئله] روزه گرفت، از روزه اصلی اش کفایت نمی‌کند و اگر از روی جهل باشد کفایت می‌کند. اگر (مسافر) به شهر خود رسید یا به جایی رسید که قصد دارد در آنجا ده روز اقامت کند حکم روزه گرفتن یا نگرفتنش مانند حکم خوب شدن مریض است.^(۷) زیاد سفر کردن در حکم اقامت است، مانند مکاری^(۸) یا ملوان و یا هرکسی شبیه آن‌ها.

والخلو من الحيض والنفاس: فلا يجب عليهما ولا يصح منهما وعليهما القضاء.

۶ و ۷- حیض و یا نفاس نبودن: بر آن‌ها روزه واجب نیست و روزه آن‌ها صحیح هم نمی‌باشد ولی قضا بر آن‌ها واجب است.

الثاني: ما باعتباره يجب القضاء، وهو ثلاثة شروط: البلوغ، وكمال العقل، والإيمان.

بخش دوم: چیزهایی که باوجود آن، قضا واجب می‌شود که سه مورد است: بلوغ، کمال عقل و ایمان.

فلا يجب على الصبي القضاء إلا اليوم الذي بلغ فيه قبل طلوع فجره، وكذا المجنون والكافر وإن وجب عليه، لكن لا يجب القضاء إلا ما أدرك فجره مسلماً. ولو أسلم في أثناء اليوم أمسك استحباباً، وعليه صيام ما يستقبله وجوباً.

قضای روزه بر کودک واجب نیست، مگر آن روزی که قبل از طلوع فجر به بلوغ رسیده باشد؛ همینطور برای دیوانه و کافر، هرچند بر کافر واجب است. ولی قضای آن بر او واجب نیست، مگر همان روزی که قبل از طلوع فجر مسلمان شده است؛ ولی اگر بعد از فجر مسلمان شد، مستحب است امساک کند و روزه روزهای آینده، بر او واجب است.

الثالث: ما يلحقه من الأحكام

سوم: ملحقاتی از احکام روزه

7- یعنی اگر قبل از اذان ظهر رسید و چیزی نخورده بود باید روزه بگیرد ولی اگر چیزی خورده بود و یا بعد از اذان ظهر رسید، روزه بر او واجب نیست ولی مستحب است تا غروب امساک کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص 42)

8- کسی که وسیله نقلیه‌اش را کرایه می‌دهد و خود نیز به‌عنوان راننده، همراه آن است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص 42)

من فاته شهر رمضان، أو شئ منه لصغر أو جنون أو كفر أصلي فلا قضاء عليه، وكذا إن فاته لإغماء.

کسی که به دلیل کودکی، دیوانگی یا کفر اصلی، ماه رمضان را از دست بدهد قضای روزه بر گردنش نیست، اگر به دلیل بی‌هوشی، ماه را از دست بدهد نیز به همین صورت است.

ويجب القضاء على المرتد سواء كان عن فطرة أو عن كفر، والحائض والنفساء، وكل تارك له بعد وجوبه عليه، إذا لم يقم مقامه غيره. ويستحب المولاة في القضاء ويجوز أن يفرق.

قضا بر این افراد واجب است: مرتد (چه فطری باشد و چه از کفر)، حائض و نفّسا، و هرکس روزه‌ای که بر او واجب شده است را ترک کرده باشد، اگر چیزی جایگزین آن نشود.⁽⁹⁾ مستحب است که در قضا کردن، پی‌درپی بودن را لحاظ کند ولی می‌تواند فاصله بیندازد.

وفي هذا الباب مسائل:

چند مسئله:

الأولى: من فاته شهر رمضان أو بعضه لمرض، فإن مات في مرضه لم يقض عنه وجوباً، ويستحب. وإن استمر به المرض إلى رمضان آخر سقط عنه قضاؤه، وكفر عن كل يوم من السلف بمد (4/3 كغم) من الطعام، وإن برئ بينهما وأخره عازماً على القضاء قضاها ولا كفارة، وإن تركه تهاوناً قضاها وكفر عن كل يوم من السالف بمد من الطعام.

۱- کسی که به خاطر بیماری، تمام ماه رمضان یا قسمتی از آن را از دست بدهد، اگر در آن بیماری بمیرد واجب نیست از سوی او قضا شود ولی مستحب است. اگر تا رمضان سال بعد بیماریاش ادامه پیدا کند قضا از او ساقط می‌شود و واجب است به‌جای هرروز روزه از دست‌رفته یک مد طعام ($\frac{3}{4}$ کیلوگرم = 750 گرم) کفاره بدهد، و اگر بین دو ماه رمضان بهبودی یابد و قضای روزه را به تأخیر اندازد درحالی که قصد قضا کردن داشته باشد، باید قضا کند و هیچ کفاره‌ای بر گردنش نیست، ولی اگر از روی بی‌اهمیتی قضای روزه را ترک کند باید علاوه بر به‌جا آوردن قضا، به ازای هرروز از روزه‌های تلف‌شده، یک مد طعام، کفاره بدهد.

الثانية: يجب على الولي (الولد الأكبر) أن يقضي ما فات الميت من صيام واجب رمضان كان أو غيره، سواء فات لمرض أو غيره. ولا يقضي الولي إلا ما تمكن الميت من قضاؤه وأهمله، إلا ما يفوت بالسفر، فإنه يقضي ولو مات مسافراً. والولي هو أكبر أولاده الذكور، ولو كان الأكبر أنثى لم يجب عليها القضاء.

9- مانند کسی که ماه رمضان مریض شده و تا رمضان سال آینده بیماریاش ادامه یافته است که در این صورت به ازای هر روز، یک مد طعام می‌دهد و قضا از او

ولو كان له وليان أو أولياء متساوون في السن (حتى اللحظة) تساوا في القضاء، ولو تبرع بالقضاء بعض سقط. ويقضي عن المرأة (الأم) ما فاتها الولد الأكبر. ويستحب للأبناء والبنات قضاء ما في ذمة الوالدين، وهو من البر بالوالدين بل هو خير البر وإهماله من العقوق المحرم.

۲- بر ولیّ (پسر بزرگ‌تر) واجب است آنچه از میّت فوت شده است را قضا کند، خواه قضای روزه ماه رمضان باشد یا هرروزه واجب دیگر، فرقی نمی‌کند که به دلیل بیماری روزه اش فوت شده باشد یا چیز دیگر. فقط قضای روزهای که میّت می‌توانسته قضای آن را به‌جا آورد و اهمال کرده است بر ولیّ او واجب است، مگر آنکه میّت در سفر بمیرد و روزه آن سفر بر وی قضا شده باشد، که قضایش بر ولیّ واجب است. ولیّ میّت بزرگ‌ترین فرزند پسر اوست در صورتی که پسر باشد. اگر بزرگ‌ترین فرزند میّت دختر باشد، قضا بر او واجب نیست. اگر میّت دو یا چند ولیّ داشته باشد که از نظر سنّی باهم برابر باشند (حتی از نظر لحظه تولد) قضای اعمال میّت را به‌صورت مساوی انجام میدهند؛ و اگر کسی داوطلبانه آن‌ها را انجام دهد از بقیه ساقط می‌شود. آنچه از زن (مادر) قضا شده است را پسر بزرگ باید قضا کند. مستحب است که پسران و دختران قضای آنچه بر ذمه والدین است را به‌جا آورند که این عمل مصداق نکویی به والدین است؛ بلکه از بهترین مصادیق نیکویی است و اهمال و کوتاهی در آن از مصادیق عاق حرام می‌باشد.

الثالثة: إذا لم يكن له ولي أو كان الأكبر أنثى سقط القضاء، ويتصدق عنه عن كل يوم بمد من تركته. ولو كان عليه شهران متتابعان صام الولي شهراً، وتصدق من مال الميت عن شهر.

۳- اگر میّت ولیّ نداشته باشد یا بزرگ‌ترین فرزند وی دختر باشد، قضا ساقط و به‌جای او برای هرروز روزه نگرفتن یک مُد طعام از ماترک او صدقه داده می‌شود. اگر روزه دو ماه متوالی بر عهده میّت باشد، ولیّ میّت می‌تواند یک ماه آن را به‌جای آورد و به‌جای یک ماه دیگر از مال میّت صدقه دهد.

الرابعة: القاضي لشهر رمضان لا يحرم عليه الإفطار قبل الزوال لعذر وغيره، ويحرم بعده، ويجب معه الكفارة وهي إطعام عشرة مساكين، لكل مسكين مد من طعام، فإن لم يمكنه صام ثلاثة أيام.

۴- شخصی که روزه ماه رمضان را قضا می‌کند، اگر قبل از اذان ظهر روزه اش را (با عذر یا بدون عذر) بشکند حرام نیست؛ ولی بعد از اذان ظهر حرام است و کفاره بر او واجب می‌شود؛ و کفاره اش اطعام ده فقیر است که برای هر فقیر یک مد طعام می‌دهد؛ و اگر برایش ممکن نبود سه روز روزه بگیرد.

الخامسة: إذا نسي غسل الجنابة ومر عليه أيام أو الشهر كله، فصيامه صحيح ويقضي الصلاة حسب.

۵- چنانچه غسل جنابت را فراموش کند و چند روز و یا تمام ماه از آن رد شود روزه اش صحیح است؛ اما باید نمازها را قضا نماید.

السادسة: إذا أصبح يوم الثلاثين من شهر رمضان صائماً، وثبت الرؤية في الماضية أفطر وصلى العيد، وإن كان بعد الزوال فقد فاتت الصلاة.

٦- اگر روز سی‌ام ماه رمضان را همچنان روزه بود و رؤیت هلال در روز گذشته ثابت شده باشد، باید روزه را بشکند و نماز عید را بخواند و چنانچه بعد از اذان ظهر فهمید، دیگر نماز عید از دست رفته است.

